

واکاوی حکم فقهی اجرت المثل کار متعارف زوجه با تأکید بر شرط ضمنی ارتکازی^۱

محمدهادی فاضل^۲

سید حمید جزایری^۳

نسیرین اسدیگی^۴

چکیده

یکی از مسائل مالی در حوزه خانواده، اجرت المثل کارهای متعارف زوجه در سنوات زندگی مشترک با شوهر است که زمینه ساز اختلاف نظر در بین فقیهان امامیه به ویژه معاصرین شده است. این اختلافات غالباً بر اساس ارتکازات عرفی است که از شرط ارتکازی «انجام تبرعی کارهای منزل توسط زوجه» متأثر می شود. مراد از شرط ارتکازی، شرط ثابت در اذهان عقلا در معاملات رایج میان آنان است. جستار حاضر با روش توصیفی- تحلیلی، به دنبال یافتن تأثیر شرط ضمنی ارتکازی بر اجرت المثل کار متعارف زوجه از منظر فقیهان امامیه است. در این زمینه دو قول مطرح است: مشهور فقیهان امامیه، شرط ضمنی ارتکازی را به دلیل عدم ذکر در متن عقد معتبر نمی دانند؛ از این رو با پیش فرض عدم وجوب کار متعارف زوجه، با تحقق شرایط عمومی، قائل به استحقاق اجرت المثل می باشند. اما برخی از فقیهان امامیه، شرط ضمنی ارتکازی را همچون شرط صریح در ضمن عقد، معتبر می دانند و در موارد متعددی، از جمله خدمات زوجه، مورد استناد قرار داده اند. شرط ضمنی ارتکازی این است که زن - حتی با پیش فرض عدم وجوب - کار خانه را بدون مطالبه اجرت انجام می دهد. نگارنده بر این است ارتکاز عرفی در عقد نکاح، نوعی اشتراط ایجاد کرده است؛ از این رو در هر منطقه ای که ارتکاز عرف، تبرعی بودن کارهای منزل است و زوجه معمولاً از خدمات اضافی رفاهی و تفریحی بهره مند است و زوج به تعهدات خود عمل می کند، زوجه اجرت المثل مطالبه نمی کند.

واژگان کلیدی: شرط ضمنی ارتکازی، اجرت المثل کار متعارف زوجه، فقیهان امامیه، حکم تکلیفی، عرف

۱. این مقاله، برگرفته از متن رساله علمی سطح ۴ با عنوان «تأثیر شرط ضمنی ارتکازی بر مسائل مالی و غیرمالی زوجین در نهاد خانواده از منظر فقه امامیه»، استاد راهنما: دکتر سید حمید جزایری، مرکز آموزش عالی حوزوی معصومیه خواران، قم، ایران، ۱۴۰۲ است.

۲. استاد سطوح عالی حوزه علمیه، سطح ۴، مرکز فقهی ائمه اطهار، قم، ایران؛ fazelmhadi40@gmail.com.

۳. دانشیار گروه قرآن و علوم مجتمع قرآن و حدیث جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران؛ Quran.olum@chmail.ir.

۴. مدرس حوزه و دانشگاه و طلبه سطح ۴ مرکز آموزش عالی معصومیه قم، ایران، (نویسنده مسئول)؛ maedeh.as94@gmail.co.

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۰۴/۰۴ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۲/۰۶/۱۷

مقدمه

ازدواج به عنوان یک امر مقدس، مورد تأکید دین اسلام است و مبنای ایجاد آن، تشکیل خانواده و تحقق محیطی گرم همراه با مهر و محبت است. روابط بین زن و شوهر بر اساس رابطه عاطفی شکل می‌گیرد، نه رابطه کارفرمایی و کارگری. باین وجود، آشنایی هریک از زوجین به وظایف و تکالیف خود در مقابل یکدیگر، آنها را برای رسیدن به کمال مطلوب یاری می‌دهد. وظیفه زوجه در برابر زوج، تمکین است، اما ارتکاز ذهنی عرف، به ویژه زوج و خانواده‌اش هنگام انعقاد عقد نکاح این است که زوجه تبرعاً امور داخلی منزل مانند: آشپزی، نگهداری فرزند و ... را انجام می‌دهد. با وجود اینکه این امور فی‌نفسه دارای ارزش اقتصادی است، از دیرباز عدم مطالبه مواردی از قبیل مهریه و اجرت‌المثل توسط زوجه، با آنکه منبع و مبنای شرعی داشته‌اند، به واسطه شرایط تحمیل شده از سوی جامعه، جزء عرف خانواده‌ها محسوب شده و تا این زمان نیز ادامه یافته است.

با پیش فرض عدم وجوب کارهای منزل بر زوجه طبق نظر مشهور فقیهان امامیه، یا وجوب کارهای منزل بر زوجه طبق فتوای برخی از فقها، مسئله استحقاق یا عدم استحقاق اجرت‌المثل زوجه مطرح می‌شود که آیا زوجه می‌تواند اجرت‌المثل کارهای متعارف خود در منزل را برخلاف شرط ضمنی ارتکازی تبرعی مطالبه کند، درحالی‌که غلبه ظهور عرفی، بر تبرعی بودن کار زوجه است؟ فقیهان امامیه در این زمینه چه دیدگاهی دارند؟

در غالب معاملات، که استفاده از کار یا منفعت غیر وجود دارد، زمینه طرح اجرت‌المثل ممکن است. کار خانگی زوجه نیز مانند عمل و اقدام اختیاری هرکسی، در فقه، قابلیت تعلق اجرت‌المثل را دارد. برخی از فقیهان امامیه، از شرط ضمنی ارتکازی به عنوان ابزاری نوین در تحلیل مسئله تعلق اجرت‌المثل به کار متعارف زوجه بهره برده‌اند. شروط ارتکازی، شروطی هستند که در اذهان طرفین معامله، رسوخ و نفوذ یافته‌اند. به بیان دیگر، هر دو طرف معامله، نوعی درک و شعور خودبه‌خودی نسبت به انجام یا ترک فعلی را دارا هستند، بدون آنکه تصریحی نسبت به آن داشته باشند.

فقها در رسائل و تألیفات خود، بحث مستقلاً را تحت عنوان اجرت‌المثل کار زوجه مطرح

نکرده‌اند و دیدگاه‌های طرح‌شده از جانب ایشان، عمدتاً جزئی و با تکیه بر مصادیق بوده است؛ لذا برای استخراج آرای فقها، می‌باید عبارات کلی ایشان را در باب اجرت‌المثل، که معمولاً در مبحث اجاره (اشخاص) و جعاله دیده می‌شود، بررسی کرد. از طرفی، در متون فقهی، پیرامون شرط ضمنی ارتکازی و کاربرد آن در مسائل مربوط به زوجین نیز بحث مستقلی یافت نمی‌شود و به نوعی، از ابتکارات فقیهان معاصر است که این خود، سختی خاصی در پژوهش ایجاد کرده است. بررسی آثار موجود نشان از این دارد که در موضوع اجرت‌المثل به طور عام، و اجرت‌المثل کار زوجه به طور خاص، پژوهش‌هایی با جهت، هدف یا قلمرو متفاوت نوشته شده است. برخی از مقالات مرتبط با موضوع، بدین شرح است:

- مقاله «توسعه مستندات شرعی اجرت‌المثل کار خانگی زن»، فریبا عباسوند و معصومه نیکوخصال، ۱۳۹۶، مجله مطالعات اسلامی زنان و خانواده، شماره ۷، ص ۷-۲۶. این نگاره، به توسعه مبانی اجرت‌المثل کار خانگی زن، از قاعده حرمت، به قواعد اتلاف، غرور و لاضرر پرداخته و از آیات جزاء، سیئه، لاضرر و اعتداء نیز بهره برده است تا امکان استدلال برای تمام مذاهب اسلامی فراهم باشد و تراکم دلیل بر این حکم شرعی، برای قانون‌گذار اعتماد بیشتری پدید آورد. این پژوهش که به نظر می‌رسد در تمام پژوهش‌های بعدی، مرجع مسائل مقدماتی قرار گرفته است، از نظر هدف و محتوا، کاملاً با مقاله حاضر تفاوت مبنایی دارد.
- مقاله «اجرت‌المثل کار زوجه در حقوق افغانستان و میزان کارایی قوانین جهت دستیابی به آن»، عبدالخالق شفق، سید مهدی میرداداشی و اعظم خوش‌صورت موفق، ۱۴۰۰، مجله فقه و حقوق خانواده، شماره ۷۴، ص ۳۳-۶۱. در این پژوهش، به مفهوم، مبانی حقوقی، شرایط و ضمانت اجرای اجرت‌المثل زوجه در حقوق افغانستان پرداخته‌اند و در نهایت، دستاورد اثر این است که اجرت‌المثل زوجه، طبق حقوق افغانستان، که مبتنی بر فقه حنفی است، قابل مطالبه نیست. همچنین موادی که در قانون احوال شخصیه اهل تشیع وضع شده و شرایطی که برای استحقاق آن پیش‌بینی گردیده، برای دستیابی زنان به اجرت‌المثل کافی نیست و پیشنهاد شفافیت‌سازی و اصلاح قانون در این زمینه داده شده است.

- مقاله «بررسی اجرت المثل زنان برای کارهای منزل از منظر فقه امامیه»، فهمیه حسینی، ۱۳۹۸، مجله پژوهش های فقهی زنان و خانواده، شماره ۲، ص ۱۹۰۱. این نگاره، با هدف تبیین دیدگاه فقها برای آگاه سازی زنان نسبت به حقوق خود انجام گرفته است و با تکیه بر تنها مبنای قاعده «احترام مال مسلم»، کار زن را مال می داند و با احراز شرایط «امر مرد به زن برای خدمات منزل، عدم قصد تبرع، اجرت داشتن کار نزد عرف و واجب نبودن اعمال انجام شده توسط زن»، زن را مستحق اجرت المثل می داند.
- مقاله «بررسی تطبیقی اجرت المثل ایام زوجیت در قانون مدنی با فقه اهل تسنن»، نسیم نصراللهی و علیرضا شریفی، ۱۴۰۰، مجله اندیشه حقوقی، سال اول، شماره ۴، ص ۶۳۰۴۹. این تحقیق با هدف دستیابی به ساختار مناسب برای تصویب و اجرای قوانین اجرت المثل ایام زناشویی، به مطالعه تطبیقی منابع فقه مدنی و فقه اهل سنت پرداخته است. نتیجه اینکه در حقوق اسلام و ایران، زوجه، استحقاق دریافت حق الزحمه کارهایی را که خارج از وظیفه شرعی و قانونی در خانه انجام می دهد، دارد و در فرض عدم اثبات اجرت المثل، دادگاه ها ملزم به رسیدگی و اظهار نظر در خصوص نحله هستند. مطالعه پژوهش هایی که درباره اجرت المثل کار زوجه صورت گرفته است نشان می دهد که با رویکرد و قلمروهای متفاوت از پژوهش حاضر انجام گرفته اند، هرچند در مبادی مسئله با هم اشتراک دارند. امتیاز پژوهش حاضر این است که به واکاوی حکم فقهی اجرت المثل کار متعارف زوجه با تأکید بر شرط ضمنی ارتکازی به عنوان ابزاری نو و لازم برای تفسیر صحیح و منضبط از قصد زوجین و الزامات ناشی از آن پرداخته است. از سوی دیگر، غلبه ارتکاز عرفی در تبرعی بودن کار متعارف زوجه و نبود منبع خاص یا اخص در این مسئله جهت حل اختلافات زوجین، ضرورت واکاوی دقیق آن را مشخص می نماید.

۱. مفهوم شناسی

۱.۱. شرط ضمنی ارتکازی

«شرط» در لغت، به معنای الزام و التزام به کار رفته (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۷، ص ۳۲۹ و واسطی

زیبیدی، ۱۴۱۴، ج ۱۰، ص ۳۰۵) و در اصطلاح، عبارت از امری است که اگر نباشد، مشروط هم به وجود نمی‌آید، ولی اگر شرط به وجود آید، به تنهایی برای ایجاد مشروط کافی نیست (مروج، ۱۳۷۹، ص ۲۹۲ و انصاری، ۱۴۱۵، ج ۶، ص ۱۳). شرط اقسامی دارد: در یک تقسیم‌بندی، به مستقل و غیرمستقل تقسیم شده و غیرمستقل نیز به شروط قبل از عقد و ضمن عقد تقسیم می‌شود. شروط ضمن عقد نیز خود دارای دو قسم شرط صریح و غیرصریح - ضمنی - است. شرط غیرصریح (ضمنی)، شروطی هستند که در متن عقد ذکر نمی‌شوند؛ ولی به دلیل بنای طرفین بر شرطی که پیش‌تر بر آن توافق کرده‌اند، یا طبق بنای عرف یا ارتکاز یا حکم قانون، داخل در مفاد عقد است. بر این پایه، شرط ضمنی، به شرط ضمنی بنایی، شرط ضمنی عرفی، شرط ضمنی ارتکازی و شرط ضمنی قانونی تقسیم می‌شود. (توکل‌کیا، ۱۳۹۳، ص ۷۲)

منظور از شرط ضمنی ارتکازی، آن شروط ضمنی هستند که در قرارداد به آن تصریح نشده، ولی قصد مشترک طرفین نسبت به آن محرز است. در واقع، در شروط ارتکازی، پشتوانه اعتبار شرط، اراده طرفین است و حتی ممکن است که این اراده وجود نداشته، و عرف، التزام به آن را بر طرفین معامله تحمیل نماید. (محقق داماد، ۱۳۸۸، ص ۲۸۴)

مطابق با نظر برخی از فقیهان امامیه، این شرط همچون سایر شروط صریح، واجب‌الوفا است و باید به آن عمل شود (موسوی خمینی، ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۸۸۲؛ موسوی خویی، ۱۴۱۸ الف، ص ۳۲۹ و هاشمی شاهرودی، ۱۴۲۶، ص ۱۱۳). این گروه از فقیهان، با تمسک به عرف (مکارم شیرازی، ۱۴۲۵، ج ۶، ص ۱۱۷ و نوری همدانی، ۱۳۸۲، ص ۱۹)، سیره و بنای عقلاء (موسوی خویی، ۱۳۷۷، ج ۷، ص ۳۵۲) و مدلول التزامی عقد (غروی نائینی، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۴۰۷)، بر اعتباریت شروط ارتکازی صحه‌گذارده و در موارد متعدد، به شرط ضمنی ارتکازی استناد کرده‌اند.^۱

عده‌ای دیگر از فقیهان امامیه، شرط را الزام و التزام تبعی دانسته‌اند که بر طبق این

۱. تنجیز در عقود، یک شرط ارتکازی عقلایی است (حائری، ۱۴۲۳، ج ۲، ص ۷۲-۷۴). مالیت داشتن عوضین، شرط ارتکازی عقد بیع است (مصطفوی، ۱۴۲۳، ص ۴۴). حق فسخ در صورت غش در معامله، شرط ارتکازی معاملات است (موسوی خویی، ۱۴۱۶، ج ۳، ص ۲۱۱). حق فسخ نکاح در صورت نپرداختن نفقه، شرط ارتکازی عقد نکاح است (سیستانی، ۱۴۱۴، ص ۲۹۶). عدم لزوم مباشرت در دوران عقد، شرط ارتکازی عقد نکاح است (شبیری زنجانی، ۱۴۱۹، ج ۵، ص ۱۴۴۵). تجرد مرد در هنگام ازدواج با دختر باکره، شرط ارتکازی عقد نکاح است (موسوی خمینی، ۱۴۲۲، ج ۳، ص ۱۳۴-۱۳۵). بکارت دوشیزگان، شرط ارتکازی عقد نکاح است (مکارم شیرازی، ۱۴۲۶، ص ۱۴۶)

دیدگاه، شرطی الزام آور است که در متن عقد ذکر شده باشد و حتی ادعای اجماع بر آن کرده‌اند (نجفی، ۱۴۱۵، ج ۲۳، ص ۱۹۸؛ انصاری، ۱۴۱۵، ج ۶، ص ۵۶؛ طباطبایی، ۱۴۱۸، ج ۱۱، ص ۳۳۷ و طباطبایی یزدی، ۱۴۲۹، ج ۳، ص ۲۹۴). ازاین رو برخی از شروط، همچون شروط ارتکازی، الزام آور نخواهد بود.

به نظر می‌رسد قول اول، در مناطقی که ارتکاز عرفی نهادینه شده و مبنای عمل طرفین عقد قرار گرفته است، معتبر است.

۱.۲. اجرت المثل

«اجرت» در لغت به معانی دستمزد (مروج، ۱۳۷۹، ص ۱۶) و آنچه به عنوان پاداش عمل داده می‌شود، به کار رفته است (هاشمی شاهرودی، ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۳۵۰)، اما در اصطلاح، به معنای عوضی است که برای فعلی مخصوص پرداخت می‌شود (عاملی، ۱۴۱۲، ج ۲، ص ۱۹۶). اجرت بر دو قسم است: اجرت المسمی، مقدار اجرتی است که در عقد بر آن توافق شده، یا اینکه پرداخت آن مبلغ در نزد طرفین عقد، معین باشد؛ و اجرت المثل، اجرت متعارفی است که بدون تعیین از جانب طرفین عقد نسبت به عمل، بعد از انجام کار پرداخت می‌شود (انصاری، ۱۴۱۸، ج ۱، ص ۲۶۵). با جمع بین دو معنا می‌توان گفت اجرت المثل، همان مزد انجام عمل است که عامل مستحق دریافت آن از مالک، منفعت عمل اوست.

۲. حکم تکلیفی کار متعارف زوجه از دیدگاه فقیهان امامیه

به دنبال وقوع عقد و ایجاد رابطه زوجیت، برای هریک از زوجین، تکالیفی محقق می‌شود که باید نسبت به یکدیگر انجام دهند. وظایف زوجه در زندگی زناشویی، به دو قسم وظایف شرعی و عرفی تقسیم می‌شود. وظایف شرعی زوجه در فقه امامیه، تحت عنوان تمکین، کاملاً مشخص و مستدل هستند و کوتاهی در آنها، موجب نشوز و سقوط حق نفقه می‌شود (حلی، ۱۴۰۸، ج ۲، ص ۲۹۱-۲۹۲). از نظر مشهور فقیهان امامیه، دریافت اجرت در مورد کارهای واجب، حرام است (عاملی، ۱۴۱۳، ج ۳، ص ۱۳۰؛ اردبیلی، ۱۴۰۳، ج ۸، ص ۸۹؛ انصاری، ۱۴۱۵، ج ۲، ص ۱۳۵ و نجفی، ۱۴۰۴، ج ۲۲، ص ۱۱۶-۱۱۷). بنابراین زوجه نمی‌تواند در مقابل وظایف الزامی خود، اجرت المثل

دریافت کند، اما در وظایف عرفی، بعد از آغاز زندگی مشترک، زوجه به طور متعارف، به انجام امور منزل همچون آشپزی، نگهداری فرزند و... می پردازد. درباره حکم تکلیفی کار متعارف زوجه، در بیان فقیهان دو قول وجود دارد:

۲.۱. قول به عدم وجوب

مشهور فقیهان امامیه، کار زن در منزل را واجب نمی دانند که این عدم وجوب را گاهی از تعبیر «محقق نشدن نشوز با ترک کار متعارف زوجه» می توان استنباط کرد: «نشوز» برای هریک از زن و مرد، به معنای سرپیچی از انجام وظایف واجب زناشویی است (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۳۱، ص ۲۰۱)؛ بنابراین وقتی در برابر ترک عملی، حکم به نشوز داده می شود، به معنای این است که عمل ترک شده، واجب بوده است. پس وقتی برخی از فقها، در برابر ترک کارهای زن در منزل شوهر، حکم به نشوز نداده اند (اصفهانی، ۱۳۹۳، ج ۳، ص ۲۱۵؛ موسوی خمینی، ۱۴۲۶، ج ۲، ص ۲۰۵؛ سبزواری، ۱۳۷۲، ص ۵۷۳؛ موسوی گلپایگانی، ۱۴۱۳، ج ۲، ص ۲۶۷؛ عاملی، ۱۴۱۳، ج ۸، ص ۳۶۱؛ سبزواری، ۱۴۲۳، ج ۲، ص ۲۶۸؛ موحدی لنگرانی، ۱۴۲۱، ص ۴۸۳ و صافی گلپایگانی، ۱۴۱۶، ص ۴۶۳)، با دلالت التزامی به دست می آید که کارهای منزل برای زن واجب نیست.

گاه نیز از «مستحق نبودن زوج بر الزام زوجه به کار منزل» استنباط می شود: در دین اسلام برای هریک از زن و مرد، حقوقی تعیین شده که طرف مقابل ملزم به انجام آن است؛ بنابراین مرد با توجه به محدوده حقوق شرعی خود می تواند زن را به انجام آنها امر کند و زن نیز ملزم به اطاعت است. با توجه به عبارات برخی از فقیهان، که الزام زن از مرد در مورد کارهای منزل سلب شده است (اراکی، ۱۴۱۴، ج ۲، ص ۸۸؛ حسینی روحانی قمی، ۱۴۱۷، ص ۳۲۵؛ منتظری نجف آبادی، ۱۴۱۳، ص ۴۵۶؛ سبحانی تبریزی، ۱۳۸۸، ص ۵۳ و وحید خراسانی، ۱۳۹۱، ص ۵۰۰)، به دلالت التزامی می توان عدم وجوب کارهای منزل بر زوجه را استنباط کرد.

در نهایت، گاهی «تصریح به عدم وجوب کار منزل بر زوجه» کرده اند: گروهی از فقها بر واجب نبودن کار منزل بر زوجه تأکید کرده اند (مکارم شیرازی، ۱۴۲۵، ج ۶، ص ۱۱۷). برخی دیگر بدون تأکید، بر این مطلب تصریح کرده اند (مفید، ۱۴۱۳، ص ۴۲؛ طوسی، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۲۳۹؛ بحرانی، ۱۴۰۵، ج ۲۵، ص ۱۲۵؛ خوانساری، ۱۳۵۵، ج ۴، ص ۴۳۵؛ شبیری زنجانی، ۱۳۸۸، ص ۵۲۲؛ صافی گلپایگانی، ۱۴۱۷،

ج ۲، ص ۱۶۰ و موسوی خمینی، ۱۴۲۶، ج ۲، ص ۳۰۵) و دسته‌ای دیگر، با عدم استحقاق مرد نسبت به کار زن در منزل، تصریح به عدم وجوب کرده‌اند. (قمی، ۱۴۲۷، ص ۹۳۶؛ حسینی روحانی قمی، ۱۴۱۷، ص ۳۲۵؛ تبریزی، ۱۴۲۷، ص ۳۰۲ و سیستانی، ۱۴۱۷، ج ۳، ص ۱۰۳)

۲.۲. قول به وجوب

در مقابل نظر مشهور فقیهان، قولی دیگر، بر واجب بودن کارهای متعارف بر زوجه است: آیت‌الله تبریزی، کار زن را به عنوان شرط ضمنی ارتکازی در عقد نکاح، واجب می‌داند و دلیل آن را عرفی بودن این کار دانسته‌اند (تبریزی، ۱۳۹۱، ج ۸، ص ۲۲۴). در عبارات آیت‌الله مکارم شیرازی نیز تمایل ایشان به لزوم کار توسط زوجه را می‌توان برداشت کرد: «... البتّه نباید خدمت بیت را ترك کند، چون ازدواج، مشارکت است و به همین جهت است که می‌گویند در صورت طلاق می‌تواند اجرت‌المثل بگیرد...» (مکارم شیرازی، ۱۴۲۵، ج ۶، ص ۱۱۷). آیت‌الله سبحانی آورده‌اند: «قیام به تدبیر منزل و اعمال منزل، وظیفه زن است. این همان اصل اصیلی است که در زندگی زوجین وجود دارد و فطرت هم مؤید آن است» (سبحانی تبریزی، ۱۴۰۳، ج ۱، ص ۱۷۹) و بر این قول خود استناد کرده‌اند که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله امور زندگی را بین دخترش، فاطمه علیها السلام و همسرش، علی علیه السلام به همین نحو تقسیم کردند (حرّ عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۰، ص ۱۷۲). فقیه‌ی دیگر آورده‌اند: «زن باید نسبت به مواردی مانند خدمت بیت و اداره آن و مواظبت اطفال و... اقدام کند، این‌گونه، سعادت خانواده و اصلاح امر آن اتفاق می‌افتد» (طباطبایی حکیم، ۱۴۱۵، ج ۳، ص ۶۶). در تفسیر مراغی، ذیل آیه ۲۸۸ سوره بقره: «وَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ، وَلِلرِّجَالِ عَلَيْهِنَّ دَرَجَةٌ» آمده است: «اعمال بین زوجین، به حکم فطرت تقسیم می‌شود: تدبیر شئون منزل و اقدام به احتیاجات داخلی زندگی، بر عهده زن است» (مراغی، ۱۹۸۵، ج ۲، ص ۱۶۶). در فرهنگ فقه اهل بیت علیهم السلام نیز ذیل آیه مربوطه، وجوب کار بر زن آمده است. (مؤسسه دایره المعارف فقه اسلامی، ۱۳۸۵، ج ۴۶، ص ۳۳)

به نظر می‌رسد با توجه به قاعده «معاشرت به معروف»، حکم عقل، اقتضای عدل و انصاف، مطلوب شرع بودن تقسیم کار به تصریح روایات و غلبه ارتکاز عرفی در کشور ایران، انجام کارهای متعارف منزل، بر زوجه واجب است. ازاین‌رو بنا بر پیش فرض عدم وجوب یا

وجوب کارهای منزل بر زوجه، مسئله استحقاق یا عدم استحقاق اجرت المثل برای زوجه مطرح است.

۳. اجرت المثل کار متعارف زوجه از دیدگاه فقیهان امامیه

اجرت المثل کارهای متعارف زوجه، نهاد حقوقی جدیدی است که برخاسته از نیاز عصر ماست و سابقه مستقلی در فقه ندارد؛ هرچند که با مصالح کلی شریعت، قابل توجیه است. تعلق اجرت المثل، منوط به شرایطی است که با توجه به موضوع بحث لازم است مورد بررسی قرار گیرد.

۳،۱. شرایط تعلق اجرت المثل

شرایط تعلق اجرت المثل در عبارات فقیهان به این شرح است:

الف) وجود امر: اگر زن، کارهای منزل را به دستور مرد انجام دهد، می تواند در قبال آنها ادعای اجرت المثل کند. دقت در بیان فقها نشان می دهد هرچند وجود امر جهت ثبوت اجرت المثل را لازم می دانند (طباطبایی حکیم، ۱۳۹۲، ج ۱۲، ص ۱۳۹)، اما با عبارات مختلف، ضرورت تصریح به امر را رد کرده اند. بر این اساس، بعضی از فقها، به صراحت، به عدم وجود تفاوت میان امر و اذن (موسوی خلخالی، ۱۳۸۵، ص ۸۷۹ و بهجت گیلانی فومنی، ۱۴۲۶، ص ۳۱۲) یا کافی بودن اذن یا طلب غیرصریح (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۲۷، ص ۳۳۵؛ طباطبایی یزدی، ۱۴۰۹، ج ۵، ص ۱۱۲؛ طباطبایی حکیم، ۱۳۹۲، ج ۱۲، ص ۱۴۲؛ مکارم شیرازی، ۱۴۲۷، ج ۲، ص ۳۹۱؛ موسوی خمینی، ۱۴۲۶، ج ۲، ص ۳۰۵ و ۱۴۲۲، ج ۶، ص ۳۴۲) اشاره نموده و برخی، درخواست یا تقاضای شوهر را کافی دانسته اند (موحدی لنکرانی، ۱۳۸۳، ج ۲، ص ۴۳۷). بنابراین اگر زوجه در منزل کارهایی را انجام دهد که با امر صریح یا غیرصریح شوهر انجام پذیرفته باشد یا اذن بعدی همسر را به دنبال داشته باشد، مستحق اجرت المثل است.

به نظر می رسد از عبارت «کارهای انجام شده باید به دستور زوج باشد»، نباید «داشتن دستور صریح از جانب مرد» برداشت شود؛ بلکه اگر زن اقدام به انجام عملی به نفع مرد ننماید، هرچند پیشنهاد یا اجازه قبلی از جانب مرد نداشته باشد، همین که مرد راضی به

انجام آن عمل باشد، زن از نظر قانونی (کاتوزیان، ۱۴۰۱، ص ۲۰۲) و شرعی (اشتهاردی، ۱۴۱۷، ص ۲۶۶)، مستحق اجرت عمل خود خواهد بود. حتی اگر ثابت شود کار انجام شده از طرف زن، از ترس عقاب بعدی شوهر بوده است، باز هم از دید بعضی از قضات، مرد، آمر شناخته می شود. (دیانی، ۱۳۷۹، ص ۲۰۰)

در نهایت، با کمی تأمل می توان آمر بودن مرد را اثبات کرد؛ زیرا مردان همواره توقع انجام کارهای خانه را از زنان دارند؛ به طوری که اگر زنی قبل از ازدواج اعلام کند که کارهای خانه را انجام نخواهد داد، شاید هیچ وقت مردی به خواستگاری او نرود. این امر، توقع مرد از همسرش برای انجام کارهای خانه را به اثبات می رساند. (نیکوخصال، ۱۴۰۱، ص ۲۴)

ب) قصد اجرت از طرف عامل: فقیهان امامیه در ضمان استیفای عمل غیر، شرط استحقاق اجرت را تبرعی نبودن عمل ذکر نموده (طباطبایی یزدی، ۱۴۰۹، ج ۵، ص ۱۲۲ و نجفی، ۱۴۰۴، ج ۲۷، ص ۳۳۷) و در استحقاق اجرت المثل خدمات زوجه، شرط نداشتن قصد تبرع را بیان کرده اند. (موحدی لنکرانی، ۱۳۸۳، ج ۲، ص ۳۳۷؛ موسوی خمینی، ۱۴۲۲، ج ۶، ص ۳۴۲؛ مکارم شیرازی، ۱۴۲۷، ج ۲، ص ۳۹۱ و طباطبایی یزدی، ۱۴۰۹، ج ۵، ص ۱۱۲)

اصل اولیه در مورد هر عملی که شخصی به نفع دیگری انجام می دهد، عدم تبرع است و مسئله کار زوجه نیز از این قاعده استثناء نیست. فقیهان امامیه بر اصل عدم تبرع تصریح نموده اند (طباطبایی یزدی، ۱۴۰۹، ص ۶۲۲ و موسوی خویی، ۱۴۱۸، ج ۳، ص ۳۹۳). فتاوای مراجع تقلید نیز بر همین مسئله مبتنی است: آیات عظام بهجت (مرکز تحقیقات فقهی - حوزه معاونت آموزش و تحقیقات قوه قضائیه، ۱۳۸۶، ص ۱۰۶)، سیستانی و صافی گلپایگانی، عباراتی دارند که تأییدکننده اصل عدم تبرع است (نشریه داخلی قوه قضائیه، ۱۳۸۵، ش ۴۵، ص ۴). طباطبایی یزدی حتی در فرضی که عامل، نه قصد تبرع دارد و نه قصد اجرت، عامل را مستحق اجرت می داند (طباطبایی یزدی، ۱۴۰۹، ج ۲، ص ۶۲۲). بنابراین با توجه به اصل اولیه، کار زن، تبرعی نبوده، و حتی اگر زن در حالت عدم التفات به قصدش هم قرار داشته باشد، مستحق اجرت است.

ج) اجرت عرفی داشتن عمل: در بحث عام اجرت، اگر نوع عمل، در عرف و عادت، اجرت دار باشد، عامل، مستحق اجرت است (محقق حلی، ۱۴۰۸، ج ۲، ص ۱۴۹؛ علامه حلی، ۱۴۱۳، ج ۱،

ص ۳۵۷؛ عاملی، ۱۴۱۳، ج ۵، ص ۲۲۹ و نجفی، ۱۴۰۴، ج ۲۷، ص ۳۳۶-۳۳۷). عرف، کار زن در منزل را دارای اجرت نمی‌داند و بر اساس نظر عرف، متعارف در زناشویی این است که زن، کار خانه را باید انجام دهد. از این رو، شرط ارتکازی عرفی این است که زن باید کار کند و در غیر این صورت، ناشزه است و حق پول گرفتن برای شیر دادن را هم ندارد. (درس خارج فقه آیت الله مظاهری، کتاب الطهارت، ۱۳۹۰/۸/۹)

با کمی تأمل درمی‌یابیم که عرف در مقابل تبرعی دانستن کار زن، امتیازاتی مانند شراکت در اموال مرد را برای زن قائل است و الا اگر قرار بر سلب این امتیاز باشد، عرف، کار زن را تبرعی نمی‌داند. از طرفی، در عرف جامعه ما، افراد اندکی از عدم وجوب شرعی کار خانگی زن آگاهی دارند. اگر همه افراد جامعه بر این مسئله آگاهی یابند قطعاً نظر عرف هم در مورد تبرعی بودن کار زن تغییر خواهد کرد. علاوه بر اینکه اگر فرد دیگری غیر از زن، این کارها را برای مرد انجام دهد، عرف، او را مستحق اجرت می‌داند؛ پس به طور ضمنی می‌توان دریافت که کار زن نیز از نظر عرفی، دارای اجرت است. (نیکوخصال، ۱۴۰۱، ص ۲۲)

البته در موضوع خاص کارهای زوجه، باید به تفاوت بین عرف و عادت توجه داشت. منشأ عادت، عقل و خواهش‌های نفسانی و گاه طبیعت، و در برخی از مواقع، حوادث خاص است؛ اما منشأ عرف عام، فقط عقول عقلا و مردم است. روشن است که انتظار زوج از زوجه و یا زوجه از خودش در امور خانه‌داری، عادت است و لزوماً همان عرف نیست؛ زیرا عقل تأکید نمی‌کند که زوجه همیشه موظف به کار در خانه است، بلکه آنچه در شرع و عقول عامه مردم مورد تأکید است نقش همسری و مادری زوجه است (کاملان، ۱۳۷۴). پس با کنار گذاشتن دید عرف، مشاهده می‌شود که جامعه برای کارهایی مانند آشپزی، نگهداری فرزند و... اجرت قائل است و افراد متولی این امور، مزد دریافت می‌کنند.

د) واجب نبودن کارها بر عامل: یکی از شرایط محوری تعلق اجرت‌المثل این است که کارهایی که عامل انجام می‌دهد، از امورات واجب نباشد؛ زیرا دریافت اجرت بر امور واجب، جایز نیست (انصاری، ۱۴۱۵، ج ۲، ص ۱۲۵). از نظر شرعی، از میان نقش‌های مادری، خانه‌داری و همسری، که زن در خانه عهده‌دار انجام آنان است، تنها تمکین از شوهر در امور زناشویی،

و اذن هنگام خروج از منزل، بر زن واجب است و انجام امور دیگر مانند کارهای خانه و شیر دادن فرزند، بر او مستحب است (مفید، ۱۴۱۳، ص ۴۲؛ طوسی، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۲۳۹ و نجفی، ۱۴۰۴، ج ۳۱، ص ۲). علاوه بر اینکه دلیل قابل استنادی بر وجوب کار زن در منزل زوج در مباحث فقه امامیه مطرح نشده است. در واقع، هیچ آیه‌ای به صراحت به این مسئله نپرداخته است و روایات موجود نیز فقط استحباب کار خانگی زن را اثبات می‌کنند (نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۴، ص ۲۵۳ و حرّ عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲، ص ۱۷۲). بنابراین در مجموع می‌توان گفت با بودن شرایط، اجرت‌المثل به کار متعارف زوجه تعلق می‌گیرد.

۳.۲. دیدگاه فقیهان امامیه

درباره استحقاق اجرت‌المثل کار متعارف زوجه، دو قول وجود دارد که در ادامه به آن پرداخته خواهد شد.

۳.۲.۱. قول به استحقاق اجرت‌المثل

با توجه به نبود پیشینه استقلالی در فقه برای این مسئله، به برخی از مصادیقی که فقهای متقدم و متأخر به طور پراکنده به آن پرداخته‌اند، اشاره می‌شود.

برای نمونه، در خصوص شیردهی، دو دیدگاه ارائه گردیده است: بسیاری از فقها معتقدند که مادر وظیفه‌ای در قبال شیر دادن طفل ندارد؛ لذا شیر دادن بر او واجب نیست (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۳۱، ص ۲۷۲ و عاملی، ۱۴۱۲، ج ۲، ص ۱۴۳)، اما اگر به طفل شیر بدهد و در قبال آن، طلب اجرت نماید، وظیفه مرد است که اجرت را پرداخت نماید. مطابق این رأی، اجباری بر زن نسبت به شیر دادن به طفلش وارد نیست، مگر اینکه خود زن این عمل را به صورت تبرعی انجام دهد؛ در غیر این صورت، وظیفه پدر است که کسی را اجیر کند تا به طفل شیر بدهد. حال اگر مادر به همان مبلغی که دیگری حاضر است به بچه شیر بدهد، رضایت دهد، مادر بر شیر دادن سزاوارتر است (مفید، ۱۴۱۳، ص ۴۲ و عاملی، ۱۴۱۱، ج ۱، ص ۴۶۰). همچنین شیخ طوسی می‌نویسد: اگر مادر، مزد شیر دادنش را طلب کند، بر پدر است که اجرت او را بپردازد؛ پس اگر پدر طفل مرده باشد، اجرت را از مال

خود طفل می‌پردازند (طوسی، ۱۴۱۰، ص ۵۰۳). بنابراین، از دیدگاه فقه شیعه، شیری که مادر به فرزندش می‌دهد، قابل اجرت است و مادر می‌تواند در قبال آن، طلب اجرت نماید (حلی، ۱۴۰۸، ج ۲، ص ۲۸۹ و عاملی، ۱۴۱۳، ج ۸، ص ۴۱۲). البته در صورت اعسار فرزند، پرداخت مال بر عهده پدر خواهد بود (سبزواری، ۱۴۱۳، ج ۲۵، ص ۲۷۲) و در صورت اعسار پدر، بر عهده اجداد است. در غیر این صورت، رضاع توسط مادر و بدون پرداخت اجرت خواهد بود (موسوی خمینی، ۱۴۲۶، ج ۲، ص ۳۱۲). در مقابل، برخی دیگر از فقیهان معتقدند شیر مادر بهترین چیزی است که طفل از آن ارتضاع می‌شود و علت آن هم به این جهت است که معمولاً طفل بدون آن قادر به ادامه حیات نیست؛ لذا بر مادر واجب است که به طفل شیر بدهد. (حلی، ۱۴۱۳، ج ۳، ص ۱۰۱؛ حلی، ۱۳۸۷، ج ۳، ص ۲۶۲ و عاملی، ۱۴۱۳، ج ۸، ص ۴۱۳)

اما در خصوص اجرت بر حضانت مادر نیز دو دیدگاه ارائه گردیده است: بسیاری از فقها معتقدند مادر می‌تواند از پدر فرزند، اجرت مطالبه کند (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۳۱، ص ۲۸۲؛ موسوی خویی، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۲۸۶ و سبزواری، ۱۴۱۳، ج ۲۵، ص ۲۸۰). در مقابل، برخی نیز معتقدند که مادر نمی‌تواند به خاطر حضانت، اجرت مطالبه کند. (عاملی، ۱۴۱۳، ج ۸، ص ۴۲۱ و موحدی لنگرانی، ۱۴۲۱، ص ۵۵۶) به طور کلی، با عنایت به اقوال غالب فقهای امامیه، زوجه می‌تواند نسبت به خدمات غیرالزامی خود در منزل زوج، اجرت دریافت نماید و حتی برخی از فقها، این استحقاق اجرت را در حال برقراری رابطه زوجیت - نه فقط در فرض طلاق - مورد تأکید قرار داده‌اند. (صافی گلپایگانی، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۷۶؛ مکارم شیرازی، ۱۴۲۷، ج ۲، ص ۳۹۶؛ موسوی گلپایگانی، ۱۴۰۹، ج ۵، ص ۵ و صانعی، ۱۳۹۴، ج ۱، ص ۴۹۸)

بررسی استفتانات مراجع تقلید نشان می‌دهد که اغلب این فقیهان، استحقاق اجرت المثل زن را پذیرفته (موحدی لنگرانی، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۴۳۵ و بهجت گیلانی فومنی، ۱۴۲۶، ج ۴، ص ۵۵) و فقط دو نفر از فقها اشکال کرده‌اند. این مراجع، علت را کافی نبودن عدم قصد تبرع زن (موسوی اردبیلی، استفتاء، ۹۳/۳/۲۸) یا شرط ارتکازی بودن وجوب کار زن در خانه دانسته‌اند که ناشی از واجب عرفی دانستن کار زن در خانه است. (تبریزی، ۱۳۹۱، ج ۸، ص ۲۲۴)

فقها بر استحقاق اجرت المثل، به این ادله تمسک کرده‌اند: آیه ۲۳۳ سوره بقره (طباطبایی،

۱۳۹۴، ج ۲، ص ۳۶۱ و جوادی آملی، ۱۳۹۰، ج ۱۱، ص ۳۷۷؛^۱ آیه ۶ سوره طلاق (بیستونی، ۱۳۹۰، ج ۲۵، ص ۱۱۰)^۲ و آیه ۶ سوره نساء؛^۳ روایات مربوط به شیردهی (کلینی، ۱۴۱۱، ج ۶، ص ۱۰۳)^۴ و حضانت (طوسی، ۱۳۶۴، ج ۶، ص ۳۴۳)^۵ و قواعد فقهی مانند: قاعده احترام (عاملی، ۱۴۱۳، ج ۵، ص ۲۳۰؛ طباطبایی یزدی، ۱۴۰۹، ج ۵، ص ۱۱۲؛ نجفی، ۱۴۰۴، ج ۳۱، ص ۳۳۵؛ موسوی خویی، ۱۴۱۸، ج ۳۰، ص ۳۹۱؛ موحّدی لنکرانی، ۱۴۲۱، ص ۵۳۱ و سبزواری، ۱۴۱۳، ص ۱۷۶)؛ قاعده استیفاء (طباطبایی یزدی، ۱۴۰۹، ص ۱۱۷؛ عاملی، ۱۴۱۳، ص ۲۳۰؛ غروی اصفهانی، ۱۴۰۹، ص ۳۰۱-۳۰۲ و طباطبایی حکیم، ۱۳۹۲، ج ۱۲، ص ۱۴۲)^۶ و قاعده ائتلاف (غروی اصفهانی، ۱۴۰۹، ص ۹۵ و موسوی خویی، ۱۴۱۸، ج ۳، ص ۹۱) و سیره عقلا (مکارم شیرازی، ۱۴۱۱، ج ۲، ص ۲۱۸؛ موسوی خویی، ۱۴۱۸، ج ۳۰، ص ۳۹۳-۳۹۴ و ۱۳۷۹، ج ۴، ص ۳۹۱) تمسک نموده‌اند.

در مورد قول مشهور، نکاتی قابل توجه است: اولاً در تحقق شرایط عمومی تعلق اجرت‌المثل - هرچند شرایط عامّ تعلق اجرت‌المثل، در مورد خاصّ خدمات زوجه از لایه‌لای عبارات پراکنده فقها قابل استنباط است و این خدمات هم مصداق اجرت واقع می‌شود - مناسب این است که استحقاق اجرت‌المثل زوجه مشروط به قصد عدم تبرع و امر زوج نشود و با توجه به اجرت عرفی داشتن خدمات زوجه و واجب نبودن کارها بر او طبق این مبنا، به اقتضای قاعده فقهی احترام مال و عمل مسلمان (عاملی، ۱۴۱۳، ج ۵، ص ۲۳۰؛ طباطبایی یزدی، ۱۴۰۹، ج ۵، ص ۱۱۲؛ نجفی، ۱۴۰۴، ج ۳۱، ص ۳۳۵؛ موسوی خویی، ۱۴۱۸، ج ۳۰، ص ۳۹۱؛ موحّدی لنکرانی، ۱۴۲۱، ص ۵۳۱ و سبزواری، ۱۴۱۳، ص ۱۷۶)، اجرت‌المثل خدمات متعارف زوجه ثابت باشد.

۱. با استناد به این آیه شریفه، پرداخت اجرت شیردهی به مادر، امری شرعی است و ملاک در تعیین اجرت هم توجه به عرف است. علامه طباطبایی در تفسیر این آیه آورده‌اند: حق حضانت و شیردهی، از آن مادر است و شوهر موظف است به این حقوق احترام بگذارد (ترجمه تفسیر المیزان)؛ به طوری که نپرداختن آن، پدر را به مادر کودک بدهکار می‌کند. (تفسیر تسنیم)
۲. یکی از احکام مطرح شده در این آیه، اجرت مربوط به شیردهی است که باید متناسب با عرف و عادت، پرداخت شود.
۳. این آیه، به اجرت سرپرستی یتیمان اشاره دارد و مادر می‌تواند برای حضانت و سرپرستی کودکان، اجرت بگیرد. البته با این استدلال که از این ادله، الغاء خصوصیت کرده و رضاع و حضانت را به عنوان اهم مصادیق خدمات متعارف زوجه در منزل زوج بدانیم تا بتوانیم حکم به استحقاق اجرت را در تمام خدمات متعارف زوجه تعمیم بدهیم.
۴. علی عن ابیه عن ابن ابی عمیر عن ابی عبدالله علیه السلام قال: الحلی المطلقه ینفق علیها حتی تضع حملها و هی احق بولدها ان ترضعه بما تقبله امرأه أخرى، ان الله عزوجل یقول «لا تضارّ والدۀ بولدها ولا مؤلود له بولده وعلی الأوارث مثل ذلک».
۵. «محمد بن علی بن محبوب عن علی بن السندی عن محمد ابن ابی عمیر عن هشام بن الحکم قال: سألت ابا عبدالله علیه السلام فیمن تول مال الیتیم مالنه ان یأکل منه؟ فقال: ینظر إلی ما کان غیره یقوم به من الأجر لهم فلیأکل بقدر ذلک».
۶. برخی از فقها، استیفاء از عمل غیر راجحت عنوانی مستقل یا در کنار دیگر ادله، موجب ضمان به پرداخت اجرت‌المثل عامل دانسته‌اند.

از طرفی، با توجه به اینکه معمولاً زوجه در مقابل مدیریت داخلی کارهای منزل، از امتیازات و نفقه مازاد بهره‌مند است، به نظر نمی‌توان زوجه را به طور مطلق، مستحق اجرت‌المثل دانست و ارتکاز عرفی ناشی از اراده زوج در ارائه خدمات اضافی را نادیده گرفت.

۳،۲،۲. قول به عدم استحقاق اجرت‌المثل

اما برخی از فقها بر این عقیده هستند کاری که از سوی شخص اجیر انجام می‌پذیرد، از آنجاکه تبرعاً صورت گرفته است، اجرتی به او تعلق نمی‌گیرد. فرد اجیر از ابتدا قصد دریافت اجرت را نداشته است، پس اجرتی هم شامل حال او نمی‌گردد، اگرچه آمر قصد پرداخت اجرت داشته است (طباطبایی یزدی، ۱۴۰۹، ج ۲، ص ۶۲۲؛ طباطبایی حکیم، ۱۳۹۲، ج ۱۲، ص ۱۳۹ و موسوی خویی، ۱۴۱۸، ج ۳، ص ۳۹۱). بر طبق این دیدگاه، اموری هم که زوجه در منزل بدون قصد دریافت اجرت انجام داده، تبرعی بوده است و مستحق اجرت‌المثل نیست. (طباطبایی قمی، ۱۴۲۳، ج ۵، ص ۳۷۴)

در پاسخ به این قول می‌توان گفت اصل اولیه، عدم تبرع است. در این حالت، زوج که مدعی تبرعی بودن خدمات زوجه است باید بتواند ادعای خود را اثبات کند و با توجه به اینکه قصد، امری درونی است، اثبات آن برای زوج بسیار مشکل است و اگر زوج نتواند ادعای خود را ثابت کند، به اصل مراجعه می‌شود و زوجه مستحق اجرت‌المثل می‌گردد.

۳،۳. تأثیر شرط ضمنی ارتکازی بر اجرت‌المثل کار متعارف زوجه

آنچه ارتکاز زوجین هنگام عقد نکاح است، خدمت نمودن زن در امور خانه‌داری همچون آشپزی و نگهداری از فرزندان و... است که همگی از وظایف او شمرده می‌شود. این مطلب در کلام فقها نیز دیده می‌شود: کار کردن متعارف زن در منزل شوهر، از شروط ارتکازی عقد نکاح است و زن باید به آن عمل کند (تبریزی، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۳۵۲)؛ بنابراین زوجه مستحق اجرت‌المثل نمی‌گردد.

آیت‌الله مکارم شیرازی معتقدند خدمت نکردن زن در منزل را نمی‌توان از علل ناشزه بودن به شمار آورد، لذا چون ازدواج، نوعی مشارکت است، نباید زن انجام امور منزل را ترک کند.

البته در صورت طلاق می‌تواند اجرت‌المثل بگیرد، اما این در صورتی است که قصد تبرع نکرده باشد. عرف و عادت در جامعه ما این است که انجام خدمات زن در منزل، از امور تبرعی است (مکارم شیرازی، ۱۴۲۵، ج ۶، ص ۱۱۷). طبق نظر ایشان، در خصوص تعلق اجرت به کارهایی که زن در منزل شوهر انجام داده، باید عرف و عادت رایج در آن جامعه را مد نظر قرار داد. بنابراین اگر عرف رایج بر این است که این اعمال به صورت تبرعی انجام گرفته، زن نمی‌تواند ادعای اجرت نماید، مگر اینکه بتواند ثابت کند در ابتدا با شوهرش شرط کرده بوده که این اعمال را تبرعی انجام نمی‌دهد. بنابراین، شرط ضمنی ارتكازی تبرعی بودن خدمات زوجه از دیدگاه نادری از فقهای امامیه، ملاک واقع می‌شود و باعث عدم استحقاق اجرت می‌گردد.

این مبنا حتی اگر به طور کلی صحیح نباشد، در مورد بعضی عرف‌ها و جوامع، به‌ویژه در روستاها و بعضی شهرها، صحیح و غیر قابل انکار است. به نظر می‌رسد که در هر مورد، چنین ارتكاز عرفی شکل گرفته باشد، تمسک به اصل عدم تبرع، وجهی ندارد. در مقابل، این دیدگاه، مخالفت‌های متعددی در پی داشته است:

آیت‌الله فاضل لنکرانی، تأثیر شرط ارتكازی را در عدم استحقاق اجرت زوجه قبول ندارند و ملاک را دستور زوج و عدم قصد تبرع می‌دانند: زحمات و کارهایی را که زوجه در خانه شوهر انجام داده است، اگر به دستور شوهر بوده و قصد مجانی بودن و تبرع نکرده، حق مطالبه اجرت‌المثل را دارد. اما صرف عرف بلد و ارتكاز، موجب عدم استحقاق اجرت نمی‌شود و اینکه عقد، مبیناً علیها واقع شده، صرف تخیل است. (موجدی لنکرانی، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۴۳۶)

برخی فقیهان، هرگونه تبانی عرفی را از شروط ضمنیه دانستن، نقد می‌کنند و به مثال‌های نقضی که از نظر ایشان خیلی روشن‌تر از شروط ضمنی در بحث اجاره و بیع است تمسک کرده و می‌نویسند: اگر هرگونه تبانی عرفی، شرط ضمنی به حساب آید، باید خدمت زوجه در بیت را شرط دانست، به گونه‌ای که تخلف از آن جایز نباشد؛ درحالی‌که زوجه در خدمت بیت آزاد است و شارع مقدس، کارهای منزل را بر او واجب نکرده است و انجام کارها، تنها فضیلتی از جانب اوست. (حلی، ۱۴۱۵، ص ۱۴۹)

محقق خویی در خصوص شرط ضمنی دانستن انجام کارهای منزل برای زن معتقد است: متعارف آن است که زوج، این امور را از روی رغبت و میل باطنی انجام دهد، بدون آنکه الزام و التزامی وجود داشته باشد. بنابراین شرط ضمنی که عقد، مبتنی بر آن باشد، به شمار نمی‌آید (موسوی خویی، ۱۴۱۸ الف، ج ۱، ص ۳۰۱). محقق بحرانی نیز با اینکه خدمت بیت را در عرف و عادت برای زن می‌بیند، ولی اعتقاد دارد که این مسئله، از روی مسامحه و تراضی در حقوق شرعی است؛ درحالی‌که شرع آن را واجب نکرده است (بحرانی، ۱۴۰۵، ج ۲۵، ص ۱۲۵). بنابراین، تأثیر شرط ضمنی ارتکازی تبرعی بودن خدمات زوج، از طرف گروهی از فقیهان امامیه، مورد مناقشه قرار گرفته است و زوج، مستحق اجرت المثل می‌گردد.

در مورد تأثیر شرط ضمنی ارتکازی بر استحقاق اجرت المثل کار متعارف زوج، که تعدادی از فقها به آن قائل هستند، می‌توان گفت بر فرض پذیرش ارتکاز زوج و عرف در انجام تبرعی کارها توسط زوج و در نتیجه، عدم استحقاق اجرت المثل، باید به ارتکاز زوج نیز توجه کرد: زوج، خود را شریک زندگی، و خانه زوج را خانه خود می‌داند؛ از این رو منتهای خدمت و تلاش را جهت ساختن آینده زندگی خود و خانواده به کار می‌گیرد و برای پایداری آن، گاهی حتی حقوق ابتدایی خود، یعنی خوراک و پوشاک و دیگر هزینه‌های زندگی را به حداقل می‌رساند و با عشق به استمرار زندگی و بهره بردن از محیط گرم و صمیمی خانواده، جوانی و سلامت خود را فدای آن نموده و سخنی از حق الزحمه به میان نمی‌آورد و یا نهایتاً اینکه نمی‌خواهد فضای خالصانه زندگی، با این بحث مکدر شود، و تا وقتی روال عادی زندگی جریان دارد، ضرورتی برای مطالبه اجرت المثل نمی‌بیند و سکوت می‌کند. بهترین گواه هم این است که اگر زوج از ابتدا بداند این زندگی دوام ندارد، یا اصلاً این ازدواج را قبول نمی‌کند و یا اگر هم قبول کند، حتماً به شرط اجرت خواهد بود. از این رو، حتی بر فرض پذیرش شرط ضمنی ارتکازی و عدم استحقاق اجرت المثل برای زوج در مرحله اول، در صورت بر هم زدن زندگی توسط زوج، و تخلف از ارتکاز زوج، استحقاق اجرت المثل ثابت می‌شود. بنابراین، هم ارتکاز زوج حائز اهمیت است - که می‌تواند اثر عکس بر مسئله استحقاق اجرت المثل داشته باشد - و هم اینکه عدم مطالبه اجرت توسط برخی از زنان، به دلیل عدم آشنایی آنان به حقوق شرعی

و قانونی خودشان است؛ به طوری که اگر این مسئله در عرف رواج پیدا کند، نظر عرف تغییر پیدا خواهد کرد. پس به طور متعارف نمی توان سکوت زوجه را به معنای قصد تبرع زوجه تفسیر کرد.

در تحلیل مسئله می توان گفت کار کردن زن در منزل، وفای او به شرط ضمنی و عمل به تعهد ثانوی اش است، که نوعی معامله با مرد در تقسیم کارها و سهیم شدن در تأمین نیازهای خانواده به حساب می آید. البته در ازای آن، از خدمات اضافی زوج، مثل امور رفاهی و تفریحی بیش از حد استحقاق شرعی اش بهره مند می شود یا قسمتی از پولی را که مرد برای او به عنوان نفقه خرج می کند، در واقع، معادل این نوع خدمات زن در خانه است. گواهی آن است که گاه مرد به میزانی که زن، نقش بیشتری در سامان دادن به امور داخلی زندگی دارد و بیشتر تلاش می کند، مبلغ بیشتری به او اختصاص می دهد و هدایای بیشتری را برای او تهیه می کند. به هر حال، ارتکاز عرفی در اینجا، نوعی اشتراط را اثبات می کند که معنایش مطلق نبودن عقد نکاح است.

از این رو، در صورتی خدمات زن قیمت گذاری نمی شود که مرد نیز به تعهدات خود عمل کرده باشد. بنابراین در مواردی که مرد، نفقه زن را نمی دهد و خدمات متعارف اضافی را نیز ارائه نمی کند، باید اجرت المثل کارهای زن را پرداخت کند. زیرا طبق اطلاق ادله^۱ احترام عملی مسلمان، استیلا و تسلط بر مال غیر، حرام است (مصطفوی، ۱۴۲۱، ص ۲۵؛ موسوی خویی، ۱۳۷۷، ج ۳، ص ۹۱ و طباطبایی حکیم، ۱۳۹۲، ج ۱۲، ص ۱۴۰) و حتی طبق نظر برخی از فقیهان امامیه، موجب ضمان می شود. (مصطفوی، ۱۴۲۱، ص ۲۵)

دیدگاه نگارنده این است که عقد نکاح، مطلق نیست و ارتکاز عرفی، نوعی اشتراط را ایجاد می کند؛ از این رو در هر منطقه ای که ارتکاز عرف، تبرعی بودن کارهای منزل است و زوجه معمولاً از خدمات اضافی رفاهی و تفریحی بهره مند است و زوج به تعهدات خود عمل می کند، زوجه مستحق اجرت المثل نیست و در غیر این صورت، زوجه به دلالت اصل عمومی

۱. حَزَّامَلِی، ۱۴۰۹، ج ۸، ص ۵۹۹، روایت نبوی «حرمة ماله كحرمة دمه» و همان، ج ۳، ص ۴۲۴، روایت «لا یحل لمؤمن مال اخیه الا عن طیب نفسه».

احترام عمل و منفعت اشخاص، و حرمت استیلا بر مال غیر، در قبال کارهای متعارف منزل، مستحق دریافت اجرت است.

جمع بندی و نتیجه گیری

یکی از مسائل مالی مربوط به زوجه در نهاد خانواده که همواره متأثر از ارتکازات عرفی بوده، اجرت المثل کارهای متعارف زوجه در منزل زوج است. یافته های بررسی این مسئله از منظر فقیهان امامیه با تأکید بر تأثیر شرط ضمنی ارتکازی عبارتند از:

۱. شرط ارتکازی، از اقسام شروط ضمنی است که در قرارداد به آن تصریح نشده، ولی قصد مشترک طرفین نسبت به آن محرز است. در واقع، در شروط ارتکازی، پشتوانه اعتبار شرط، اراده طرفین بوده و حتی ممکن است که این اراده وجود نداشته و عرف، التزام به آن را بر طرفین معامله تحمیل نماید.

۲. مشهور فقیهان امامیه، شرطی را لازم الوفا می دانند که در ضمن عقد، ذکر شده باشد. پس شرط ارتکازی به علت عدم ذکر، مورد پذیرش نیست.

۳. مطابق با نظر برخی از فقیهان امامیه به ویژه معاصرین، شرط ارتکازی همچون سایر شروط صریح، واجب الوفا است و در موارد گوناگونی، به این شرط استدلال شده که از جمله آنها، اجرت المثل کار متعارف زوجه است.

۴. در فقه اسلامی، کار خانگی زوجه، مانند هر عمل و اقدام اختیاری، قابلیت احتساب به عنوان کار مزدی را دارد و استیلا و تصرف بر عمل زوجه با قهر و غلبه، حرام بوده و حکم وضعی آن، ضمان است.

۵. غالب فقیهان امامیه، با پیش فرض عدم وجوب کار خانگی بر زوجه، با استناد به عمومیت ادله پرداخت اجرت المثل، با وجود شرایط لازم، زوجه را مستحق اجرت المثل می دانند.

۶. برخی از فقیهان امامیه بر مبنای شرط ضمنی ارتکازی تبرعی بودن کار متعارف زوجه، قائل به عدم استحقاق اجرت المثل گردیده اند.

۷. ارتکاز عرفی، نوعی اشتراط در عقد نکاح ایجاد می‌کند؛ ازاین‌رو در هر منطقه‌ای که ارتکاز عرف، تبرعی بودن کارهای منزل است و زوجه معمولاً از خدمات اضافی رفاهی و تفریحی بهره‌مند است و زوج به تعهدات خود عمل می‌کند، زوجه مستحق اجرت‌المثل نیست و در غیر این صورت، زوجه به دلالت اصل عمومی احترام عمل و منفعت اشخاص، و حرمت استیلا بر مال غیر، در قبال کارهای متعارف منزل، مستحق دریافت اجرت است.



فهرست منابع

* قرآن کریم

۱. ابن منظور، محمد (۱۴۱۴ق)، لسان العرب، بیروت: دار الفکر.
۲. اراکی، محمدعلی (۱۴۱۴ق)، المسائل الواضحه، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
۳. اردبیلی، احمد (۱۴۰۳ق)، مجمع الفائده والبرهان فی شرح ارشاد الاذهان، تصحیح مجتبی عراقی، علی پناه اشتهاودی و حسین یزدی، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۴. اشتهاودی، علی پناه (۱۴۱۷ق)، مدارک العروه، تهران: دار الاسوه.
۵. اصفهانی، سید ابوالحسن (۱۳۹۳ش)، وسیله النجاه، تعلیق: روح الله موسوی خمینی، قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ع).
۶. انصاری، محمدعلی (۱۴۱۸ق)، الموسوعه الفقهيہ المیسره، قم: مجمع الفکر الاسلامی.
۷. انصاری، مرتضی (۱۴۱۵ق)، المکاسب المحرمه والبیع والخیارات، قم: کنگره جهانی بزرگداشت شیخ انصاری.
۸. بحرانی، یوسف (۱۴۰۵ق)، الحدائق الناضره فی احکام العتره الطاهره، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۹. بهجت گیلانی فومنی، محمدتقی (۱۴۲۶ق)، جامع المسائل، قم: دفتر معظم له.
۱۰. بیستونی، محمد (۱۳۹۰ش)، ترجمه مجمع البیان فی تفسیر القرآن، مشهد: آستان قدس رضوی.
۱۱. _____ (۱۳۸۵ش)، استفتائات جدید، قم: سرور.
۱۲. _____ (۱۳۹۱ش)، صراط النجاه، قم: دار الصدیقه الشهیده.
۱۳. _____ (۱۴۲۷ق)، المسائل المنتخبه، قم: دار الصدیقه الشهیده.
۱۴. توکلی کیا، امید (۱۳۹۳ش)، شرط ارتکازی در حقوق اسلامی؛ ماهیت، مبانی، آثار، تهران: داد و دانش.
۱۵. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۰ش)، تفسیر تسنیم، قم: اسراء.
۱۶. حائری، سید کاظم (۱۴۲۳ق)، فقه العقود، قم: مجمع الفکر الاسلامی.
۱۷. حر عاملی، محمد (۱۴۰۹ق)، تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، قم: مؤسسه آل البيت (ع).
۱۸. حسینی روحانی قمی، سید محمد (۱۴۱۷ق)، المسائل المنتخبه، کویت: شرکه مکتبه الألفین.
۱۹. حلی، جعفر (۱۴۰۸ق)، شرائع الاسلام فی مسائل الحلال والحرام، تحقیق عبدالحسین محمد علی بقال، قم: مؤسسه اسماعیلیان.
۲۰. حلی، حسن (۱۴۱۳ق)، قواعد الاحکام فی معرفه الحلال والحرام، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۲۱. حلی، حسین (۱۴۱۵ق)، بحوث فقهیه، قم: مؤسسه المنار.
۲۲. حلی، محمد (۱۳۸۷ش)، ایضاح الفوائد فی شرح مشکلات القواعد، تصحیح حسین موسوی کرمانی، قم: مؤسسه اسماعیلیان.
۲۳. خوانساری، سید احمد (۱۳۵۵ش)، جامع المدارک فی شرح مختصر النافع، تصحیح علی اکبر غفاری، تهران: مکتبه الصدوق.

۲۴. درس خارج فقه آیت الله مظاهری، کتاب الطهارت، ۱۳۹۰/۸/۹.
۲۵. دیانی، عبدالرسول (۱۳۷۹ش)، حقوق خانواده، تهران: امید دانش.
۲۶. سبحانی تبریزی، جعفر (۱۳۸۸ش)، رساله توضیح المسائل، مشهد: هاتف.
۲۷. _____ (۱۴۰۳ق)، الاعتصام بالکتاب و السنه، قم: المجمع العالمي لاهل البيت عليه السلام.
۲۸. سبزواری، سید عبدالاعلی (۱۳۷۲ش)، جامع الاحکام الشرعیه، قم: مؤسسه المنار.
۲۹. _____ (۱۴۱۳ق)، مذهب الاحکام فی بیان الحلال و الحرام، قم: مؤسسه المنار.
۳۰. سبزواری، محمدباقر (۱۴۲۳ق)، کفایه الاحکام، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۳۱. سیستانی، سید علی (۱۴۱۴ق)، قاعده لاضرر و لاضرار، قم: دفتر آیت الله سیستانی.
۳۲. _____ (۱۴۱۷ق)، منهاج الصالحین، قم: دفتر آیت الله سیستانی.
۳۳. شبیری زنجانی، سید موسی (۱۳۸۸ش)، توضیح المسائل، قم: سلسبیل.
۳۴. _____ (۱۴۱۹ق)، کتاب نکاح، قم: مؤسسه پژوهشی رأی پرداز.
۳۵. صافی گلپایگانی، لطف الله (۱۴۱۶ق)، هدایه العباد، قم: دار القرآن الکریم.
۳۶. _____ (۱۴۱۷ق)، جامع الاحکام، قم: انتشارات حضرت معصومه عليها السلام.
۳۷. صانعی، یوسف (۱۳۹۴ش)، مجمع المسائل، قم: میثم تمار.
۳۸. طباطبایی حکیم، سید محسن (۱۳۹۲ق)، مستمسک العروه الوثقی، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۳۹. طباطبایی قمی، سید تقی (۱۴۲۳ق)، الدلائل فی شرح منتخب المسائل، قم: کتاب فروشی محلاتی.
۴۰. طباطبایی یزدی، سید محمدکاظم (۱۴۰۹ق)، العروه الوثقی فیما تعم به البلوی، بیروت: مؤسسه الاعلمی.
۴۱. _____ (۱۴۲۹ق)، حاشیه کتاب المکاسب، قم: طلیعه نور.
۴۲. طباطبایی، سید علی (۱۴۱۸ق)، ریاض المسائل فی تحقیق الاحکام بالدلائل، قم: مؤسسه آل البيت عليه السلام.
۴۳. طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۹۴ش)، ترجمه تفسیر المیزان، ترجمه: سید محمدباقر موسوی همدانی، قم: دار الفکر.
۴۴. طباطبایی حکیم، سید محمدسعید (۱۴۱۵ق)، منهاج الصالحین، بیروت: دار الصفوة.
۴۵. طوسی، محمد (۱۳۶۴ش)، تهذیب الاحکام، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۴۶. _____ (۱۴۱۰ق)، النهایه فی مجرد الفقه و الفتاوی، بیروت: دار الكتاب العربی.
۴۷. _____ (۱۳۸۷ش)، المبسوط فی فقه الامامیه، تعلیق: محمدتقی کشفی، تهران: المکتبه المرتضویه لإحياء الآثار الجعفریه.
۴۸. عاملی، زین الدین (۱۴۱۳ق)، مسالک الافهام الی تنقیح شرائع الاسلام، قم: مؤسسه المعارف الاسلامیه.
۴۹. _____ (۱۴۱۲ق)، الروضه البهیة فی شرح المعجمه الدمشقیة، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
۵۰. عاملی، محمد (۱۴۱۱ق)، نهایه المرام فی شرح مختصر شرائع الاسلام، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۵۱. غروی اصفهانی، محمدحسین (۱۴۰۹ق)، الاجاره فقه الشیعه من القرن الثامن، قم: دفتر انتشارات اسلامی

- وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۵۲. غروی نائینی، محمدحسین (۱۳۷۶ش)، *فوائد الاصول*، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۵۳. قمی، ابوالقاسم (۱۴۲۷ق)، *رسائل*، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
۵۴. کاتوزیان، ناصر (۱۴۰۱ق)، *وقایع حقوقی مسئولیت مدنی*، تهران: گنج دانش.
۵۵. کاملان، محمدصادق (۱۳۷۴ش)، *نقش و قلمرو عرف در فقه*، مجموعه آثار کنگره بررسی مبانی فقهی امام خمینی علیه السلام، قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
۵۶. کلینی، محمد (۱۴۱۱ق)، *الکافی*، تصحیح علی اکبر غفاری، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۵۷. محقق داماد، سید مصطفی (۱۳۸۴ش)، *قواعد فقه (بخش مدنی؛ مالکیت و مسئولیت)*، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.
۵۸. _____ (۱۳۸۸ش)، *نظریه عمومی شروط و التزامات در حقوق اسلامی*، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.
۵۹. مراغی، أحمد مصطفی (۱۹۸۵م)، *تفسیر المراغی*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۶۰. مرکز تحقیقات فقهی - حوزه معاونت آموزش و تحقیقات قوه قضائیه (۱۳۸۶)، *مجموعه آرای فقهی قضایی در امور حقوقی*، قم.
۶۱. مروج، حسین (۱۳۷۹ش)، *اصطلاحات فقهی*، قم: بخشایش.
۶۲. مصطفوی، سید محمدکاظم (۱۴۲۱ق)، *القواعد الفقهیه*، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۶۳. _____ (۱۴۲۳ق)، *فقه المعاملات*، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۶۴. مفید، محمد بن محمد بن نعمان (۱۴۱۳ق)، *احکام النساء*، قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید.
۶۵. مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۱۱ق)، *القواعد الفقهیه*، قم: مدرسه امام علی علیه السلام.
۶۶. _____ (۱۴۲۵ق)، *کتاب النکاح*، قم: مدرسه امام علی علیه السلام.
۶۷. _____ (۱۴۲۶ق)، *احکام النساء*، قم: مدرسه امام علی علیه السلام.
۶۸. _____ (۱۴۲۷ق)، *استفتائات جدید*، تصحیح: ابوالقاسم علیان نژاد، قم: مدرسه امام علی علیه السلام.
۶۹. منتظری نجف آبادی، حسینعلی (۱۴۱۳ق)، *الاحکام الشرعیه علی مذهب اهل البيت علیهم السلام*، تهران: تفکر.
۷۰. موحدی لنگرانی، محمدفاضل (۱۳۸۳ش)، *جامع المسائل*، قم: امیر قلم.
۷۱. _____ (۱۴۲۱ق)، *تفصیل الشریعه فی شرح تحریر الوسیله؛ النکاح*، تحقیق حسین واثقی، قم: مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم السلام.
۷۲. موسوی اردبیلی، عبدالکریم، *استفتاء ۹۳/۳/۲۸*.
۷۳. موسوی خلخالی، سید محمد مهدی (۱۳۸۵ش)، *فقه الشیعه؛ کتاب اجاره*، تهران: منیر.
۷۴. موسوی خمینی، سید روح الله (۱۳۷۲)، *توضیح المسائل*، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

۷۵. _____ (۱۴۲۲ق)، /استفتائات، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۷۶. _____ (۱۴۲۶ق)، /تحریر الوسیله، قم: مؤسسه مطبوعاتی دار العلم.
۷۷. موسوی خویی، سید ابوالقاسم (۱۳۷۹ش)، /المستند فی شرح العروه الوثقی، قم: مؤسسه احیاء آثار الامام الخویی.
۷۸. _____ (۱۳۷۷ش)، /مصباح الفقاهه، تقریر: محمدعلی توحیدی، قم: مکتبه الداوری.
۷۹. _____ (۱۴۱۰ق)، /منهاج الصالحین، قم: مدینه العلم.
۸۰. _____ (۱۴۱۶ق)، /صراط النجاه، قم: دفتر نشر برگزیده.
۸۱. _____ (۱۴۱۸ق) الف، /التنقیح فی شرح العروه الوثقی؛ الطهاره، قم: مؤسسه آل البيت علیه السلام.
۸۲. _____ (۱۴۱۸ق) ب، /موسوعه الامام الخویی، قم: مؤسسه احیاء آثار الامام الخویی.
۸۳. موسوی گلپایگانی، سید محمدرضا (۱۴۰۹ق)، /مجمع المسائل، قم: دار القرآن الکریم.
۸۴. _____ (۱۴۱۳ق)، /هدایه العباد، تحقیق علی ثابتی همدانی، قم: دار القرآن الکریم.
۸۵. مؤسسه دایرة المعارف فقه اسلامی (۱۳۸۵ش)، /فقه اهل بیت علیهم السلام، قم: مؤسسه دایره المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت علیهم السلام.
۸۶. نجفی، محمدحسن (۱۴۰۴ق)، /جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، تحقیق: عباس قوچانی و علی آخوندی، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۸۷. نشریه داخلی قوه قضائیه (۱۳۸۵ش)، /مأوی، ش ۴۵، ص ۴.
۸۸. نوری همدانی، حسین (۱۳۸۲ش)، «کنترل جمعیت»، /فقه اهل بیت علیهم السلام، سال نهم، ش ۳۳، ص ۱۹.
۸۹. نوری، حسین (۱۴۰۸ق)، /مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، بیروت: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
۹۰. نیکوخصال، معصومه (۱۴۰۱ش)، /جایگاه فقهی حقوقی کار خانگی زن، قم: هاجر.
۹۱. واسطی زبیدی، محمد مرتضی (۱۴۱۴ق)، /تاج العروس من جواهر القاموس، تصحیح علی شیری، بیروت: دار الفکر.
۹۲. وحید خراسانی، حسین (۱۳۹۱ش)، /توضیح المسائل، قم: مدرسه الامام باقرالعلوم علیه السلام.
۹۳. هاشمی شاهرودی، سید محمود (۱۳۸۹ش)، /موسوعه الفقه الاسلامی المقارن، قم: مؤسسه دایره المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت علیهم السلام.
۹۴. _____ (۱۴۲۶ق)، /بحوث فی الفقه الزارعی، قم: دایره المعارف الفقه الاسلامی.